

روز سی و نهم: شنبه هفته ششم

ای دختر صهیون بسیار وجد بنما و ای دختر اورشلیم آواز شادمانی بده! اینک پادشاه تو نزد تو می‌آید. او عادل و صاحب نجات و حلیم می‌باشد و بر الاغ و بر کرّه و بچه الاغ سوار است. و من ارايه را از افرایم و اسب را از اورشلیم منقطع خواهم ساخت و کمان جنگی شکسته خواهد شد و او با اُمّت‌ها به سلامتی تکلم خواهد نمود و سلطنت او از دریا تا دریا و از نهر تا اقصای زمین خواهد بود. و اما من اسیران تو را نیز به واسطه خون عهد تو از چاهی که در آن آب نیست رها کردم. زکریا ۹: ۹-۱۱

فردا تقریباً در تمام دنیا یکشنبه نخل را جشن می‌گیرند. این یکشنبه‌ای است که عیسی سوار بر الاغ وارد اورشلیم می‌شود و شاگردانش فریاد هوشیانا سر داده و برگ‌های نخل و لباس‌هایشان را بر روی زمین پهن می‌کنند. عیسی اعلام می‌کند که این اتفاق برای به تحقق پیوستن نبوت انبیا به انجام می‌رسد. یکی از این نبوت‌ها در کتاب زکریا قرار دارد. این نبوت جزئیات بیشتری را نسبت به نقل قولی که انجیل نویسان ثبت کرده‌اند در خود دارد و شایسته است تا نگاهی نزدیک‌تر به آن انداخته و ببینیم این نبی چه می‌گوید.

زکریا می‌گوید: شادی کن و آواز بلند سر بده که پادشاه می‌آید. این پادشاهی است که مدت‌ها در انتظارش بودیم و تمامی انبیا دربارهاش صحبت کرده‌اند. پادشاهی که عادل است و سلطنت او از دریا تا دریا خواهد بود. این پادشاه همچنین نجات را به ارمغان آورده و فروتن خواهد بود. فروتنی او از حیوانی که برای سوار شدن استفاده می‌کند نمایان است. بیشتر انتظار می‌رود که یک پادشاه سوار بر اسب بیاید نه یک الاغ یا کرّه الاغ؛ این حیوان برای استفاده افراد فقیر است. می‌توان بر الاغ سوار شد ولی یک پادشاه توانایی این را دارد که برای خود اسب فراهم کرده و همچنین حیوانات دیگری را آماده کند تا به همراه دیگر افراد، ملزومات و وسائل پادشاه را حمل کنند. اسب‌ها حیواناتی بودند که در جنگ‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفتند ولی این پادشاه، پادشاه جنگ نیست بلکه پادشاهی برای فراهم آوردن صلح است.

عیسی مشخصاً پادشاهی است که نجات می‌بخشد، او پادشاه عدالت و فروتنی است هرچند تمامی این نبوت‌ها را هنوز به انجام نرسانده است. در تمامی نبوت‌ها قسمت‌هایی وجود دارد که در زمان خود نبی و قسمت‌هایی که در زمان آمدن مسیح به انجام می‌رسد ولی قسمت‌هایی نیز وجود دارد که در زمان آمدن دوباره‌ی مسیح به تحقق خواهد پیوست. ما اکنون در انتظار روزی هستیم که دیگر جنگی وجود ندارد و سلطنت عیسی از دریا تا دریا برقرار شده و ما کاملاً آزاد هستیم.

برای قوم اسرائیل عهدی که با خون بسته شده باشد معنایی عمیق و چند وجهی دارد. اولین عهد خون که آنان در ذهن خود داشتند عهد ختنه بود که خدا با ابراهیم بست. این نشانه‌ای برای متعلق بودن قوم ابراهیم به خدا بود. عهد خون بعدی که احتمالاً به ذهنشان می‌آمد عهدی بود که در زمان موسی بسته شد. موسی شریعت را برای قوم خواند و آنان پذیرفتند که از آن تبعیت کنند و سپس خون عهد بر آنان پاشیده شد. این نمادی از این بود که اگر شریعت را اطاعت کنند تحت پوشش کفاره و پاکسازی خون قرار خواهند داشت (خروج ۲۴: ۵-۸) و اگر اطاعت نکنند تحت لعنت بوده و خون نمادی از قضاوت برایشان خواهد بود. بعدتر زمانی که قوم اسرائیل خدا را پرستش می‌کرد، می‌بایست یک قربانی را برای گناهانشان گذرانده و کاهن مقداری از خون آن را در بعضی موارد به قربانگاه و در موارد دیگر به مردم بپاشد. عیسی این عهد خون را به بهترین شکل ممکن با مردم بست! دیگر نیازی به قربانی بیشتر برای نجات ما وجود ندارد و این نجات در او تمام شده است. قبلاً مردم مجبور بودند قربانی بگذرانند و همچنین نمی‌توانستند به خدا نزدیک شوند ولی اکنون ما راهی را در مقابلمان داریم که از طریق عیسی باز شده است. همچنین می‌توانیم اطمینان داشته باشیم که بقیه‌ی این نبوت نیز به انجام خواهد رسید چون عیسی قسمت اول آن را به انجام رسانده است.

متن‌های پیشنهادی برای مطالعه:

متی ۱: ۲۱-۱۱

پرسشها برای اندیشیدن:

عیسی چطور ما را در زندگی حال حاضرمان آزاد ساخته است؟

عیسی پادشاه صلح است! آیا من با برادران و خواهرانم در صلح به سر می‌برم؟

دعا:

ای پادشاهم عیسی! برای حکومت عادلانه‌ات بر کلیسا از تو سپاسگزاریم. متشکریم که روزی بر تمام امت‌ها حکومت کرده و برایشان صلح را به ارمغان خواهی آورد. کمکمان کن تا انسانهایی صلح‌جو بوده و با انتظار کشیدن بازگشت، همراه با کلیسا فریاد بزنیم "ای خداوند عیسی، بیا!". آمین!